

ایرانیان مقیم خارج به محض ورود به کشور از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مورد بازخواست و از برخی از این شهروندان ایرانی درخواست می‌کند تا با آنها همکاری امنیتی داشته باشند وگرنه بازداشت می‌شوند

- ایرانیان مقیم خارج به محض ورود به کشور از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مورد بازخواست و از برخی از این شهروندان ایرانی درخواست می‌کند تا با آنها همکاری امنیتی داشته باشند وگرنه بازداشت می‌شوند
- یک شهروند ایرانی به جرم تبلیغ مسیحیت حکم حبس گرفت
- وحشت نان اسلام خورهای رژیم ایران از مسیحی شدن اقشار جوان و دانشگاهی و افزایش کلیساهای خانگی
- هفت کلمه آخر عیسی یا گفته‌های عیسی بر روی صلیب
- آیا اسلام با مسیحیت سر جنگ دارد؟
- جمهوری اسلامی رتبه « هشتم » در گزارش لیست جفا بر مسیحیان ۲۰۱۶
- هر ماه هزار مسلمان ایرانی «مسیحی» می‌شوند
- خیابان «روبرت لازار»، پلاک‌کوبی با لشکری منت‌گذار
- جشن‌های سال نو میلادی با عدم حضور نوکیشان مسیحی در کلیساهای ایران برگزار شد
- در سال ۲۰۱۶ در هر ۶ ثانیه یک مسیحی کشته شد

این موضوع از زبان برخی از شهروندانی که ملیت ایرانی دارند و در خارج از کشور اقامت دارند، بارها شنیده شده که در زمان سفر به ایران به قصد دیدار خانواده‌هایشان، نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات سراغ آنها رفته و پیشنهاد همکاری با وزارتخانه متبوعشان را داده‌اند.

«حمید بابایی» یکی از این شهروندان ایرانی است که در این گزارش به پرونده او پرداخته می‌شود. اتهام جاسوسی در مقابل امتناع از همکاری با اطلاعات «حمید بابایی» ۵ مردادماه ۱۳۹۲، پس از ۳ سال و ۷ ماه تحصیل در بلژیک و در حالی که تنها ۱ سال تا دفاع از پایان‌نامه دکترای وی باقی مانده بود، به همراه همسرش برای دیدار از والدین و اقوام خود به ایران بازمی‌گردد. اندکی پس از ورود او توسط

وزارت اطلاعات دستگیر می‌شود و در دادگاهی ۱۰ دقیقه‌ای از سوی قاضی «صلواتی» رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، به تحمل ۶ سال حبس تعزیری و ۴ سال حبس تعلیقی، به اتهام «جاسوسی و ارتباط با دول متخاصم»، محکوم شد. «کبری پارساجو»، همسر «حمید بابایی»، در ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۲، در گفت و گویی با «روزآنلاین» می‌گوید: «او و همسرش برای دیدار خانواده و اقوام به ایران سفر کرده بودند که همسرش به وزارت اطلاعات احضار شد و از او خواستند با وزارت اطلاعات همکاری کند اما او این پیشنهاد را نپذیرفته است.» همسر این زندانی سیاسی اضافه کرد: «ما حدود سه سال بود که در بلژیک دوره دکترا را می‌خواندیم. در این مدت هم اصلاً مسافرت به ایران نداشتیم. برای ده روز آمدیم خانواده‌هایمان را ببینیم و برویم. ۵ روز بعد از آمدن ما به ایران بود که با یک شماره ناشناسی با موبایل همسرم تماس گرفتند و از او خواستند به وزارت اطلاعات در تهران مراجعه کند. گفتند صحبت‌هایی داریم. ما پرسیدیم چه صحبتی؟ گفتند سوال و جواب ساده است. همسرم رفت و از او درباره فعالیت‌هایش در خارج از کشور پرسیده بودند، مثلاً اینکه شما در جلسه‌ای، جایی، شرکت کرده‌اید؟ جلو سفارت چند بار شلوغ شده و در میان عده‌ای که شرکت کردند شما هم بودید؟ همسرم گفته بود نه ما نبوده‌ایم و سرمان به درس گرم است.» همکاری یا محرومیت از تحصیل نیروهای وزارت اطلاعات، «حمید بابایی» را تهدید می‌کنند که اگر با این مجموعه همکاری نکند، همسرش به صورت غیابی از او جدا خواهد شد. همچنین به «حمید بابایی» اعلام می‌کنند که ممنوع‌الخروج شده است. ماموران امنیتی به او پیشنهاد همکاری با این وزارتخانه را داده و اعلام کرده‌اند که «دو راه بیشتر ندارد، یا از دانشجویهای خارج کشور و مخالفان نظام، اطلاعات کلیدی در اختیار این وزارتخانه قرار دهد و یا مانع از ادامه تحصیل وی خواهند شد.» همچنین «این زندانی سیاسی با شنیدن این تهدیدها، فشارها و شکنجه‌های روحی شدید، پاسخ تندی به ماموران داده است، تا جایی که کار به درگیری لفظی شدید کشیده می‌شود.» به گفته این زندانی سیاسی، «ماموران اطلاعاتی با الفاظ زشت و رکیک به او و همسرش اهانت کرده و سپس وی را به سلول انفرادی بند ۲۴۰ در زندان اوین منتقل کرده‌اند.» اعمال شکنجه و برگزاری دادگاهی تشریفاتی در مدت زمان بازجویی، بازجویان درخواست مکرر او برای ملاقات و یا تماس تلفنی با همسرش را رد کرده و این زندانی سیاسی را از هرگونه تماس با همسر و والدین محروم کرده‌اند. همچنین گفته شده در تمام مدت بازجویی «حمید بابایی»، بازجویان وزارت اطلاعات با الفاظ رکیک و فحاشی سعی در شکنجه روحی این زندانی سیاسی داشته و تلاش کرده‌اند، اتهامات انتسابی و دور از واقعیت را به او نسبت دهند. به این زندانی سیاسی گفته شده: «در تجمعات اعتراضی در آمستردام مقابل سفارت ایران شرکت داشته که این زندانی اذعان می‌کند که این سفارت در شهر لاهه هلند قرار دارد نه در آمستردام.» و همچنین به وی می‌گویند: «همسرش را مجبور کرده‌اند تا از او جدا شود.» بازجوها برای اعمال فشار بیشتر، از مدارک و اسناد متعددی علیه وی سخن به میان آورده‌اند و به او خاطر نشان می‌کنند: «این اسناد تنها در دادگاه افشا می‌شود.» اما در نهایت در روز برپایی دادگاه، هیچ مدرکی علیه او افشا نمی‌شود. سلول محل نگهداری این زندانی سیاسی در مدت بازجویی بسیار کوچک، فاقد تهویه و امکانات بهداشتی لازم بوده است. در جریان دادگاه این زندانی سیاسی، قاضی اجازه صحبت و دفاع کردن به «حمید بابایی» را نداده و همچنین مدت زمان دادگاه این زندانی سیاسی امنیتی نیز بسیار کوتاه بوده است. گفته شده «حتی اجازه داشتن وکیل از وی سلب شده و به صورت تشریفاتی برای این زندانی، یک وکیل تسخیری در نظر گرفته شده است.» شرایط جان‌فرسا در زندان رجایی شهر «حمید بابایی» پس از نوشتن نامه تندی به «خدابخشی» دادیار ناظر زندان «اوین» که در واکنش به برخورد توهین‌آمیز ماموران وزارت اطلاعات علیه وی و همسرش نوشته بود، او به بند ۸ زندان اوین، و سپس

برای تبعید به انفرادی «اوین» منتقل شد. «خدابخشی» پس از تبعید «حمید بابایی» به انفرادی زندان «رجایی شهر کرج»، او را برخلاف رعایت اصل تفکیک جرائم، به بند یک این زندان انتقال داد. بند یک زندان «رجایی شهر کرج» از پرجمعیت ترین سالن‌های این زندان است و بیماری‌های پوستی، گوارشی، ایدز، هیپاتیت و سایر بیماری‌های واگیردار به وفور در آن مشاهده شده است. این بند مخصوص زندانیان با جرایم سنگین نظیر مته‌مان به قاچاق مواد مخدر و قتل عمد است. یکی از هم‌بندیان این زندانی سیاسی، درباره انتقالش گفته: «این زندانی به صورت غیرقانونی، از اوین به بند یک رجایی شهر تبعید شده که از خطرناک‌ترین بندهای این زندان است؛ طی یک سال گذشته به دلیل افزایش شکنجه‌های روحی بر وی توسط مسوولین قضایی، حتی ملاقات حضوری هم به خانواده‌اش نداده‌اند. درباره مرخصی هم به خانواده‌اش گفته‌اند که حرفش را هم نزنند و حتی با مرخصی درمانی هم موافقت نمی‌کنند»